

استراتژی بازدارندگی از منظر فقه سیاسی

□ علیرضا احمدی *

چکیده

استراتژی بازدارندگی به عنوان یکی از راهبردهای مهم تأمین امنیت مورد توجه پژوهشگران روابط بین الملل و محققان مطالعات امنیت و سیاست مداران است.

با توجه به پدیدار شدن ناکارآمدی بازدارندگی سخت، به دلیل انتقادات و تردیدهای جدی به بازدارنده بودن، ضرورت طرح و تبیین یک استراتژی بازدارنده با ابزارها و روش های نرم را آشکار می سازد.

این مقاله با هدف پرکردن این ضعف در پاسخ به این پرسش که اگر جامعه اسلامی مورد تهدید امنیتی قرار گرفت، اسلام برای بازدارندگی و دفع تهدید، چه راهبردهای را از منظر فقه سیاسی در نظر گرفته است؟ پاسخ این است که برای دفاع و دفع تهدید، راهبردهای نرم را پیش نموده است، و اما اگر با شیوه های نرم و مسالمت آمیز قابل حل نبود، آنگاه جنگ و جهاد را به عنوان امر ثانوی برای دفاع و فرونشاندن فتنه تجویز و به افزایش توانایی و تقویت امکانات دفاعی دستور می دهد.

کلید واژه ها: نظریه بازدارندگی، روابط بین الملل، صلح، امنیت جهانی، اندیشه دفاعی، آمادگی دفاعی

مقدمه

امنیت و آرامش از نیازهای اساسی و اولیه بشر، و یک امری فطری و طبیعی به شمار می‌رود، زیرا انسان در گذر تاریخ با انواع تهدید و نا امنی‌ها روبرو بوده است، لذا آدمی همیشه در اندیشه تأمین امنیت، استمرار بقاء و استفاده از شیوه‌های مناسب برای دفاع از خود بوده است، این دغدغه بشری، پیشرفت علوم و پیدایش ابزارها و روش‌های مختلف را در پی داشته است. بدیهی است، هر ملتی بر اساس نظام فکری و اعتقادی خویش، تدبیر امور می‌کند، تا به اهداف جمعی و امنیتی خود برسند، اما اهداف و آرمان‌های هر جامعه برآمده از ارزش‌ها، باورهای حاکم بر آن جامعه است. جامعه دینی که به ارزش‌ها و تعالیم الهی پایبند است، نمی‌تواند نسبت به تدبیر امور امنیتی و دفاعی در برابر تهدید و خطر تهاجم دشمنان اسلام بی تفاوت بماند، بر این اساس دکترین نظامی اسلام شکل می‌گیرد. پرسش این است که راهبرد اسلام برای بازدارندگی چیست؟ اسلام برای تقویت و افزایش توان دفاعی و مقابله با هر نوع تهدید سخت و نرم چه توصیه‌های دارد؟

پیش از بحث دو نوع الگوی تحلیلی در قالب دو رویکرد سلبی و ایجابی بحث گردیده و آنگاه به راهبرد اسلام برای بازدارندگی اشاره گردیده است.

الف - الگوی تحلیلی

راهبرد بازدارندگی هر ملتی متأثر از چارچوب اندیشه دفاعی آن است. چارچوب نظری که هدایت‌کننده مسیر حرکت و اجرای راهبرد بازدارندگی به شمار می‌رود، بر مبنای رویکرد دفاعی تبیین می‌گردد. برای درک بهتر و شفاف‌تر مسئله، شناخت رویکردهای مختلف در باره بازدارندگی، ضروری به نظر می‌رسد. به طور کلی دو رویکرد کلی نسبت به راهبرد بازدارندگی وجود دارد، یکی رویکرد سلبی که بیشتر از سوی واقع‌گرایان دنبال می‌شود و دیگری رویکرد ایجابی که از سوی آرمان‌گرایان دنبال می‌شود.

۱. رویکرد سلبی

رویکرد سلبی که سوی واقع‌گرایان دنبال می‌شود، به لحاظ فلسفی ریشه در تفکر مسیحی دارد که انسان را گناه‌کار می‌داند، به لحاظ فکری ریشه در تفکر ماکیاولی و هابز دارد که طبیعت انسان را به طور ذاتی شرور، خودخواه و قدرت طلب می‌داند که تلاش او در راستایی منافع شخصی خودش می‌باشد، از این رو در صدد کسب، افزایش و اعمال قدرت بر می‌آید. این قدرت طلبی، در دولت‌ها انعکاس یافته و خوی تجاوزگری به خود گرفته، در نتیجه عرصه بین‌الملل به میدان رقابت و منازعه برای تأمین منافع تبدیل می‌شود. بنابراین جنگ و منازعه در روابط بین‌الملل اصالت یافته و حالت صلح و همزیستی امر عارضی و آرزوی دست نیافتنی تلقی می‌گردد، سیاست به معنای تلاش برای کسب قدرت است و اخلاق ابزار سیاست و امر نسبی و فردی می‌باشد. روابط بین‌الملل و خط مشی‌ها بر اساس واقعیات اتخاذ می‌گردد، نه بر تصورات ذهنی و آرمانی. این رویکرد دارای چند اصل است:

۱. اصالت قدرت: قدرت محور و معیار سنجش اخلاق و ضامن منافع ملی است. هدف کشورها در نظام بین‌الملل، به حداکثر رساندن قدرت نسبی خود در مقایسه با سایر کشورها است، تا از هرگونه اقدام به تجاوز کشورهای دیگر جلوگیری شود. در نتیجه امنیت پیامد طبیعی انباشت و اعمال مؤثر قدرت است.

۲. محیط آنارشیک نظام بین‌الملل: به نظر رئالیسم، محیط امنیتی بین‌المللی آنارشیک است که هیچ قدرت فائقه‌ای در نظام بین‌الملل برای منع کردن از کاربرد زور یکی بر علیه دیگری وجود ندارد. از این رو نظام بین‌الملل، عرصه تنازع بقا و حکومت اقویا است که برد از آن بازیگری است که از توان بیشتری برخوردار است.

۳. دولت محوری: دولت‌ها، کارگزاران و بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل هستند.

۴. عقلانیت: دولت‌ها با محاسبه‌ی هزینه-فایده، اقدامات خود را صورت بندی می‌کند.

۵. بقا: در نظام بین‌الملل کشورها سعی دارند بقای خود را تضمین کنند.

۶. خودیاری: برای بقا نمی‌توان به تضمین دیگران اعتماد کرد، باید با افزایش قدرت، به خود متکی بود.

تئوری‌های واقع‌گرایان برای حفظ صلح و امنیت عبارت است از:

۱. اتحادها، ثبات و امنیت نظام بین‌الملل تنها به تکیه کشور قدرتمند و یا پیوستن به اتحادیه‌ها ممکن است.

۲. موازنه‌ی قدرت؛ صلح در سایه موازنه قوا میان دولت‌ها و عدم توانایی سلطه یکی بر دیگر به دست می‌شود.

۳. کنترل تسلیحات: چون توازن قوا امری ثبات‌آفرین تلقی می‌شود. باید تسلیحات استراتژیک کنترل گیرد.

۴. بازدارندگی؛ استراتژی بازدارندگی، در داشتن سلاح‌های هسته‌ای، به عنوان یک راهبرد امنیتی تلقی می‌شود.

بنابراین در رویکرد سلبی، سیاست بین‌المللی بر مبنای رقابت و کشمکش بر سر قدرت استوار است، قدرت به عنوان وسیله‌ای برای تأمین و افزایش منافع دولت‌ها تلقی می‌شود.

نقد بر رویکرد سلبی

نقدها و ملاحظات مختلف بر رویکرد سلبی و واقع‌گرایان وجود دارد از جمله:

۱. واقع‌گرایی به یک بعد از ماهیت و سرشت انسانی توجه کرده و از ابعاد دیگر غفلت نموده است، در نتیجه انسان را بد طینت و گرگ یکدیگر پنداشته که هیچ گونه روحیه همکاری و همزیستی ندارد. در حال که طبیعت انسان مرکب از دو بعد فطری و حیوانی است، اگر گرایش فطری، بر تمایلات و غرایز آدمی مسلط شود، انسان را به همکاری، نوع دوستی، صلح و آشتی سوق می‌دهد.

۲. در این منطق بی‌اعتمادی، بدگمانی، منفعت محوری صرف، فرصت طلبی به مثابه ارکان اصول رفتاری پذیرفته شده‌اند و امنیت تابعی از میزان توانمندی بازیگران برای استفاده از ظرفیت

دیگران در راستایی صرف منافعش - ولو با هزینه های اخلاقی و اجتماعی - ارزیابی می شود. (افتخاری، ۱۳۸۹: ۲۹۱)

۳. در این رویکرد، نظام بین الملل را عرصه تنازع بقا و حکومت اقویا می داند که در آن اصالت با قدرت است، در نتیجه امنیت مبتنی بر قدرت است. بنابراین هرکس قدرت داشت، امنیت نیز دارد، هرکس قدرت نداشت، امنیت ندارد و قدرت های ضعیف محکوم به انقیاد یا نابودی هستند، دیگر جای برای عدالت و برابری باقی نمی ماند.

۴. در این رویکرد، دولت های تنها بازیگران بین المللی هستند، در حال که امروزه بازیگران غیر دولتی و سازمان های بین المللی نیز نقش مهم در حفظ امنیت و صلح دارد و ایجاد همکاری میان دولت ها دارد.

۵. واقع گرایان به قدرت نرم توجهی ندارند، زیرا همه فرض های خود را بر این فرض متمرکز کرده که بازیگران روابط بین الملل، تنها در برابر دو عامل عکس نشان می دهند، یکی بعد اقتصادی و دیگری بعد نظامی، در حال که چهره جدید از قدرت ظهور یافته و منافع جدید در نظام بین الملل تعریف می شود که همه کشورها در آن شریک و برای تأمین آن همکاری دارند.

نظریه بازدارندگی

ناتوانی نظریه موازنه قدرت در تحلیل روابط ابرقدرت ها، و ترس از کاربرد سلاح های اتمی، برخی واقع گرایان را واداشت با تعدیل نظریه موازنه قدرت، نظریه بازدارندگی را ارایه کند. نظریه بازدارندگی بر خلاف تئوری های استراتژی که هدفشان پیروزی در جنگ است، با هدف ممانعت از جنگ به جای پیروزی در جنگ طرح ریزی می شود، لذا بازدارندگی نوعی استراتژی برای جنگیدن نیست، بلکه استراتژی برای دستیابی به صلح است که با افزایش هزینه، بر محاسبات استراتژیک رقیب تأثیر گذاشته و دشمن را از وارد شدن در جنگ باز دارد.

تعریف بازدارندگی

بازدارندگی (Deterrence)، یک راهبرد برای جنگیدن نیست، بلکه بر اساس تعریف کلاسیک کوششی است، برای اعمال نفوذ در دیگری تا او را از اقدام به عمل که متضمن خسارت یا هزینه‌ای برای اولی است بازدارد. (ام. الیوت، و رجینالد، ۱۳۷۸: ۳۷۰) بنابراین بازدارندگی، مجموعه‌ای از تدابیر است تا با افزایش هزینه، بر محاسبات استراتژیک دشمن تأثیر بگذارد که اگر وارد جنگ شود، باید هزینه‌های سنگین را بپردازد که به مراتب از دستاوردهای آن بیشتر است.

مفروضات بازدارندگی

نظریه بازدارندگی، از منظر واقع گرایی بر اساس برخی پیش فرض‌ها استوار است. اگر در این پیش فرض‌ها خدشه وارد گردد، می‌تواند اعتبار این نظریه را زیر سؤال ببرد. این پیش فرض‌ها عبارتند از:

۱. اصل انتخاب عقلانی؛ نظریه بازدارندگی بر این فرضیه استوار است که بازیگران در روابط بین‌الملل، برای تأمین منافع ملی، بر اساس عقلانیت و منطق تصمیم می‌گیرند. اگر هزینه اقدام بازیگر بیش از سود آن باشد، بازیگری مهاجم برای حفظ منافع ملی خود از هر نوع اقدامی، منصرف و بدیل‌های دیگر را برای تأمین منافع ملی خود انتخاب می‌کند. اما به نظر هالستی ممکن است مسایل ایدئولوژیک ایثار گرایانه و یا عوامل غیر عقلی و احساسی و ناتوانی در ارزیابی توانمندی اتمی و یا اراده به کارگیری آن از طرف قدرت‌های دارنده سلاح اتمی ممکن است به نوعی تهور و یا بی‌باکی نامناسب در مهاجم ایجاد کند و در نتیجه بازدارندگی با شکست روبرو می‌شود. (Holsti: ۸-۹)

۲. تقدم پیش‌گیری بر مقابله؛ از نظر واقع گرایی تا جای که بتوانیم پیش‌گیری کنیم، از مقابله و برخورد اولی‌تر است. بنابراین به جای این که دشمن را سرکوب کنیم، باید از اصل اقدام او جلوگیری کنیم و بازداشتن از عمل مقدم بر اصل عمل است. پیش‌گیری یک سوم هزینه درمان است.

اما استراتژی پیشدستانه از نظر حقوقی و هنجارهای بین‌المللی با پرسش‌های همراه است، زیرا در تعریف حقوق بین‌الملل چنین عمل را یک تجاوز به حساب می‌آورد، پیش دستی می‌خواهد به عنوان دفاع مشروع قبل از وقوع، با تهدید مقابله کند.

۳. اصل سوم نسبی بودن: بازدارندگی امر نسبی و بستگی به کشورها دارد، برخی کشورها با دو میلیارد دلار بازدارندگی دارد و اما بر کشور فقیر این هزینه بسیار بالا است، از این رو کشور ضعیف به سختی حالت بازدارندگی برای کشور بزرگ ایجاد می‌کند، لذا بازدارندگی با توجه شرایط خاص و عینی هر کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴. اصل نوع بازی‌ها؛ بازی‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف- بازی با حاصل جمع صفر؛ در این نوع بازی، هر بازیکن به میزان امتیازی که به دست می‌آورد، طرف مقابل او به همان میزان امتیاز از دست می‌دهد. در بازی با حاصل جمع صفر، رقابت کامل وجود دارد و هیچ نقطه تعادل و مشترکی، برای طرفین جهت تفاهم و وحدت وجود ندارد. در این راهبرد، منافع مشترک نفی می‌شود.

ب- بازی با حاصل جمع غیر صفر؛ همکاری دو بازیگر، اساس این نوع بازی را تشکیل می‌دهد. آن‌ها در سود و زیان شریک هستند و اگر یکی به میزان ده امتیاز به دست آورد، طرف مقابل او نیز به میزانی کمتر یا بیشتر امتیاز به دست می‌آورد. بازیگران در چند مرحله بازی، بده و بستان‌هایی با یکدیگر دارند.

شرایط بازدارندگی

بازدارندگی، ویژگی‌ها و شرایط دارد.

۱. ارتباط: بازدارندگی هنگامی مؤثر است که نیروی بازدارنده منظور خود را صریح و شفاف به اطلاع طرف مقابل برساند و معین کند، در صورت مورد حمله قرار گرفتن دقیقاً چه عواقبی در انتظار مهاجم خواهد بود. (ازغندی، و روشندل، ۱۳۷۴: ۲۳۱) به نظر هنری کی سینجر، هر چند بازدارندگی سیاست مسلط نظامی است، اما بیشتر از هر چیز وابسته به ملاک‌های روانی

می‌باشد. پیروزی این سیاست بستگی به آگاهی کامل از محاسبات طرف مخالف نسبت به حيله‌ای که جدی گرفته شود، دارد. (مشیرزاده، ۱۳۸۰: ۵۱ تا ۷۸)

۲. قابلیت: برای تأمین توان بازدارندگی، داشتن میزانی از توانایی‌های نظامی و تکنولوژیک لازم است و بدون آن، رسیدن به مرحله‌ی بعدی، که اثرگذاری در ذهن و باور طرف مقابل است، میسر نخواهد بود. (لطفیان، ۱۳۷۶: ۲۱۴) بنا بر اعتقاد برنارد برودی، یک کشور برای اطمینان از سیاست بازدارندگی باید از توان ضربه‌ی دوم برای تضمین بقای خود و شکست دادن طرف مقابل آسوده خاطر باشد. (لطفیان، روزنامه اطلاعات: ۱۳۷۶/۵/۱۲)

۳. اعتبار: یعنی قبول واقعیت داشتن توانمندی و اراده‌ی لازم برای کاربرد آن، جهت بازداشتن مهاجم از تهاجم؛ یعنی از نظر ذهنی کشور الف باید آمادگی عملی ساختن تهدید را داشته باشد و کشور ب نیز از نظر ذهنی اکتناع شود که در صورت در پیش نگرفتن سیاست‌های همگرا با کشور الف، مورد حمله قرار خواهد گرفت. (لطفیان، محمود، ۱۳۷۶: ۲۱۸)

۴. ثبات: ثبات به معنای توانایی طرفین مخاصمه در وارد کردن صدمات مساوی به یک دیگر نیست، بلکه در صورت شکست حالت بازدارندگی منعکس کننده توانایی هر یک از آن‌ها در اعمال مجازات غیر قابل قبول علیه دیگری است. (کالینز، ۱۳۸۶: ۱۶۲) اگر برخورد به اندازه‌ی کافی شدید باشد، طرف‌های منازعه نه تنها باید بتوانند تصمیم به اجرای تهدید را به یکدیگر بفهمانند، بلکه باید رهبران دشمن را در مورد نیت خود، تحت تأثیر قرار دهند.

بر این اساس بازدارندگی باثبات چیزی نیست که بتوان یک بار و برای همیشه به آن‌ها دست یافت. تحولات و پیشرفت‌های نظامی، احتمال بی‌ثباتی را همواره به وجود می‌آورد.

نتیجه

در حقیقت نظریه‌ی بازدارندگی آخرین الگوی است که بین دو ابرقدرت شرق و غرب مورد توجه قرار گرفت. این استراتژی تا اندازه توانست از وقوع جنگ‌های ویرانگر جلوی گیری کند. عدم وقوع جنگ هسته‌ای پس از جنگ جهانی دوم به خوبی بیانگر کارایی این نظریه می‌باشد.

دکترین بازدارندگی هنوز معتبر است، بسیار از کشورها، افزایش هزینه نظامی خود را با این تئوری توجیه می‌کنند.

نقد نظریه بازدارندگی

این نظریه با سابقه‌ای بسیار طولانی خود، هیچ‌گاه ضمانت اجرایی چندانی نداشته است. از این رو نقدهای جدی بر این نظریه وارد شده است.

۱. نظریه بازدارندگی بیشتر متکی به سلاح‌های هسته‌ای است، در حال که قدرت‌های دارنده سلاح‌های هسته‌ای نیز توانستند امنیت خود را تضمین کنند، چه رسد به تأمین امنیت جهانی، زیرا هر یک از طرفین، نه با توان حفاظت از خویشتن، بلکه با تهدید طرف مقابل می‌خواهد به امنیت دست یابد. این منجر به رقابت در تولید سلاح‌های استراتژیک و افزایش هزینه نظامی می‌شود. اگر امکان استفاده از جنگ هسته‌ای وجود ندارد، پس جای برای بازدارندگی نیز باقی نمی‌ماند.

۲. بر فرض آن که دولت بتواند تمامی شرایط را با موفقیت مهیا کند، این استراتژیک به علت بی‌قاعدگی و نابهنجاری‌ها در فرایند تصمیم‌گیری طرف رقیب یا در زمینه تفسیر و تحلیل اوضاع با شکست مواجه می‌شود. نقش مسائل ایدئولوژیک و ایثارگرانه گاه چنان بر تصمیم‌گیری‌ها غلبه پیدا می‌کند که امکان محاسبه را تضعیف کرده و موجب شکست در استراتژی می‌شود، مثل رهبران فداکار و یا قلدرمآبانه که رفتار عقلانی از خود نشان نمی‌دهند، یا نیروهای غیردولتی و جنبش‌های اجتماعی برخلاف دولت-ملت‌ها، تعهدی به حفظ زیرساخت‌ها یا حفظ قدرت ندارند، چون منافع مشخص ندارد اما قدرت تخریبی زیاد دارند.

۳. این نظریه به این مسئله بی‌توجهی است که مصالحه موفقیت‌آمیز، معمولاً مستلزم آن است که دست کم تغییری در ارزش‌ها و اهداف هر دو طرف به وجود آید. نظریه بازدارندگی نقش پاداش و مصالحه را در حل و فصل بحران‌ها نادیده می‌گیرد.

۴. با ظهور دشمنان بی‌نام و نشان، ناکامی بازدارندگی کلاسیک اهمیت خود را از دست داده است. به ویژه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر که گروه‌های بی‌نام و نشان، نه منافع مشخص دارند نه

لشکر منسجم و نه سرزمین معین، اما منافع کشورها را به شدت تهدید می‌کند، دیگر نه سلاح استراتژی کاربرد دارد و نه ابزارهای سخت افزاری. بعد از ۱۱ سپتامبر نظریه بازدارندگی کلاسیک، تجدیدنظر و استراتژی جدیدی بر اساس دفاع و تعقیب دشمنان نامرئی و غیردولتی طراحی شده است.

۵. نظریه بازدارندگی متکی به قدرت سخت، پرهزینه و سخت افزاری، خود اتکا، رنگی امنیتی و نظامی دارد. در نتیجه متأثر از نگرش اثبات گرایانه و مستقل از مؤلفه های محیطی است، در حال که قدرت نرم در نگرش سیستمی در ارتباط مستقیم با محیط و دیگر مؤلفه ها تعریف می‌شود، که از سیستم بسته به سیستم باز تغییر شکل و مؤلفه های محیطی پررنگ تر می‌شود.

۲. رویکرد ایجابی

رویکرد ایجابی از سوی آرمان‌گرایان دنبال می‌شود، به لحاظ مذهبی ریشه در اندیشه جهانی مسیحیت دارد و به لحاظ فلسفی مبتنی بر فلسفه کانتی است. آرمان‌گرایان بشر را ذاتاً خوب و خیرخواه می‌داند که اگر انسان بر مبنای فطرت و نوع دوستی خود عمل کند، رفتاری همکاری جویانه و صلح‌آمیز خواهد داشت. ایده‌آلیست‌ها جامعه را هویت واحد دانسته و روابط اجتماعی را به دور از تعارض‌ها، تحلیل و جنگ را زاییده نادیده انگاشتن اخلاق و اصول انسانی می‌دانند. آنان معتقد به تحقق نظم سیاسی مبتنی بر عقل و اخلاق هستند. همگونی منافع جوامع باعث می‌شود که صلح به عنوان نفع عمومی تلقی شود. در نتیجه در عرصه بین‌الملل صلح و همکاری بین‌المللی تحقق خواهد یافت، زیرا امکان رفع جنگ در صحنه بین‌المللی از طریق تقویت قواعد، مقررات و نهادهای بین‌المللی وجود دارد. جنگ و بی‌ثباتی در نظام بین‌المللی ناشی از ساختار بد نظام بین‌المللی و رابطه دولت با دولت است نه ناشی از شرارت انسان. مکانیزم صلح عمدتاً در چارچوب تشکیل نهادهای جمعی و سازمان‌های بین‌المللی از طریق همکاری و تأمین اخلاق و اصول انسانی مطرح می‌گردد.

اصول مسلم فرض شده در مکتب ایده‌آلیسم به این شرح اند:

۱. بازیگر؛ لیبرالیسم، در کنار دولت‌ها، بر نقش بازیگران غیر دولتی، سازمان‌های بین‌المللی، مراکز آکادمیک و نهادهای اجتماعی در تأمین امنیت دسته جمعی و همکاری تأکید دارد.
۲. عقلانیت، مهم‌ترین مبنای معرفت‌شناختی ارمان‌گرایان عقلانیت است، کانت عقل را چراغ راه آینده بشر معرفی کرد که انسان را به آزادی می‌رساند، آنچه با عقل ناسازگار باشد، پذیرفته نمی‌شود، از این رو دولت لیبرال خود را در عرصه بین‌الملل دولت عقلانی معرفی می‌کند.
۳. سود محوری؛ منفعت طلبی، ریشه در فردگرایی غربی دارد. هانتینگتون می‌گوید منفعت طلبی در مرکزیت حرکت غرب قرار دارد. هدف اساسی دولت دموکراتیک، تحقق منافع مردم است که مراد منافع فردی است.
۴. منطق بازی حاصل جمع مثبت تا صفر؛ همکاری دو بازیگر، اساس این نوع بازی را تشکیل می‌دهد. آن‌ها در سود و زیان شریک هستند، برد و باخت یک طرفی مطرح نیست، و اگر یکی به میزان ده امتیاز به دست آورد، طرف مقابل او نیز به میزانی کمتر یا بیشتر امتیاز به دست می‌آورد.
۵. دموکراسی؛ در تفکر لیبرالیستی انسان قابلیت تکامل دارد و دموکراسی لازمه توسعه و ارتقای این تکامل است، بنابراین دولت‌ها بر اساس اراده و انتخاب آزادانه مردم شکل می‌گیرد.
۶. اهمیت قدرت نرم بر قدرت سخت، در این رویکرد استفاده از قدرت نرم بر قدرت سخت اولویت دارد.

تئوری آرمان‌گرایی

(۱) صلح دموکراتیک: صلح دموکراتیک ریشه در آموزه کانت دارد که معتقد است حکومت‌های دموکراتیک با هم نمی‌جنگند، زیرا در دموکراسی، فرهنگ سیاسی مبتنی بر چانه زنی، سازش و مذاکره است، فوکویاما در مقاله پایان تاریخ ادعا می‌کند که دولت‌های لیبرال از لحاظ داخلی دولت‌های با ثباتی هستند و در روابط خارجی رفتار صلح‌آمیز دارند. علت اساسی جنگ در سطح نظام بین‌الملل وجود حکومت‌های غیر دموکراتیک است. بنابراین برای گسترش صلح در

نظام بین‌الملل باید اصول دموکراتیک را توسعه و گسترش داد. لیبرال‌ها علت شکست جامعه ملل را در غیر دموکراتیک بودن برخی از اعضای آن می‌دانند.

۲) فراملی‌گرایی، این تئوری در ورای روابط بین‌دولت‌ها، بر روابط میان کنش‌گران غیر دولتی تأکید دارد، کنش‌گران غیر دولتی بر سیاست خارجی دولت‌ها تأثیر گذاشته و مانع جنگ می‌شود.

۳) تجارت و ارتباطات، تجارت و ارتباطات جوامع باعث همکاری و وابستگی متقابل شده و در نتیجه بازیگران آن قدر شریک یک دیگر می‌شود که هر اقدام انجام دهد، خودش نیز متضرر می‌شود.

۴) نهادگرایی، این نظریه صلح و امنیت را از طریق نهادهای بین‌المللی مثل جامعه ملل، سازمان‌های محیط زیست، صلح‌طلبان، جنبش‌های اجتماعی و مدنی و اتحادیه‌های منطقه‌ای، جستجو می‌کند.

نظریه لیبرال دموکراسی

امروزه چهره ارمان‌گرایان بیشتر در گفتمان لیبرال دموکراسی تجلی یافته است. نقطه مرکزی نظریه لیبرال دموکراسی، صلح است و برای تأمین صلح باید ارزش‌های لیبرالیستی چون حقوق بشر، دموکراسی، آزادی، برابری، عقلانیت را در تمام جهان گسترش داد. کانت با تأکید بر اصول و ارزش‌های اخلاقی، جامعه‌ای جهانی را پیش‌بینی می‌کند که در آن همکاری برای تحقق آرمان‌های مشترک بشری، جای رقابت را می‌گیرد. پیشنهاد «صلح ابدی» وی بر پایه‌ی ایجاد چنین جامعه‌ی بشری بود. مرزهای اعتباری جداکننده‌ی ملت‌ها که عامل اساسی ایجاد رقابت و کشمکش میان آن‌هاست، از میان می‌رود و همگی در راستای تحقق امنیت همکاری خواهند نمود. در این حالت، نظام دولت ملی، جای خود را به مجموعه‌ی واحد جامعه‌ی جهانی می‌سپارد و در واقع یک دولت جهانی، جانشین دولت‌های متعدد می‌شود. طرح‌هایی چون فدرالیسم و خلع سلاح جهانی بازتاب چنین برداشتی است. (قاسمی، ۱۳۷۲: ۵۵)

لیبرال دموکراسی بر قدرت نرم بیشتر تاکید دارد، یعنی به فرهنگ، آموزش، هنر، اخلاق و دین، بهداشت، ایدئولوژی و باورها، رشد اقتصادی و صنعتی، موقعیت علمی و اقتصادی، زبان و تاریخ توجه دارد، تا سود بیشتر، تأمین منافع فردی، سلطه هژمونی، بدون استفاده از قدرت سخت به دست یابد. از این رو اقتصاد و توان نظامی به عنوان شاخص قدرت سخت کاهش و هنجارهای فرهنگی و رفتاری در لیبرال دموکراسی به عنوان شاخص قدرت نرم افزایش یافته است. چون هدف از قدرت نرم حفظ هژمون و سلطه گری است و نه نفع طرف مقابل، به همین دلیل در سیاست خاورمیانه امریکا نرم افزار گرایي در بستر حمایت از اقتدار گرایي ظاهر شده است. (یوسفی، ۱۳۸۹: ۲۱۲). از جانب دیگر دولت‌ها به خاطر بالا رفتن هزینه استفاده از قدرت سخت، کمتر بدان اهمیت می‌دهد، در نتیجه قدرت نرم منجر به شکل‌گیری تصویری ذهنی مثبت از تولید کننده آن در نظر مخاطب شده و باعث به وجود آمدن رضایت‌مندی در افکار او خواهد شد و انباشت این رضایت‌مندی موجب کسب اعتبار نزد مخاطب گردیده و او را بدون به‌کارگیری قدرت سخت به تمکین وامی‌دارد. (همان: ۲۱۵)

نقد رویکرد ایجابی

۱. رهیافت ایده‌آلیستی بیش از آنکه به هست‌ها توجه نماید، به باید‌ها و هنجارهای ارزشی رفتار می‌پردازد. نادیده گرفتن واقعیات و انتزاعی بودن این رویکرد، سبب ناکامی آرمان‌گرایان در تأمین صلح جهانی شده است.
۲. در حالی که واقع‌گرایان بیش از اندازه به قدرت تکیه می‌کنند، آرمان‌گرایان آن را نادیده می‌گیرند و معتقد به هماهنگی منافع دولت‌ها هستند. اما در جای که تضاد منافع پیش آید، این رویکرد ناتوان از حل آن است، مثل عوامل که سبب جنگ جهانی دوم شده و مفروضات آرمان‌گرایانه را ناکام گذاشت.
۳. طرفداران رهیافت ایده‌آلیستی بر خلع سلاح عمومی یا کنترل تسلیحات، سازمان‌ها و حقوق بین‌الملل تأکید می‌کنند، در حالی که سازمان‌های بین‌المللی و هنجارهای حقوقی بین‌المللی تحت تأثیر بازی قدرت‌های بزرگ قرار دارد و کارکرد واقعی خود را نداشته است.

۴. در این رویکرد، اولاً: صلح محدود به دولت‌های لیبرال می‌شود و نمی‌تواند صلح جهانی را ایجاد کند، ثانیاً: بسیار جنگ‌ها توسط دولت‌های لیبرال صورت گرفته است که این نشان گر آن است که دموکراسی‌ها ذاتاً صلح طلب نیست، مثل المان و حکومت‌های دموکراتیک دیگر که وارد جنگ شد. ثالثاً: دولت‌های لیبرال با غیر لیبرال‌ها و غیر دموکراسی‌ها بسیار جنگیده است.

ب- رویکرد اسلامی بازدارندگی

رویکرد اسلامی برای بازدارندگی در روابط بین‌الملل، مبتنی بر مبانی فرا نظری خاص خود است. در هستی‌شناسی اسلامی، واقعیت جهان، صرف مادی نیست، بلکه افزون بر آن، واقعیت غیر مادی نیز وجود دارد، مهم‌ترین موضوع هستی‌شناسی اسلامی، خداشناسی است که هستی و موجودات آن از او سرچشمه گرفته و توسط او تدبیر می‌شود.

در هستی‌شناسی اسلامی، انسان به عنوان گل سرسبد هستی، دارای منزلت ویژه ای است که او را از سایر موجودات متمایز می‌سازد. اما انسان، چه سرشتی دارد؟ پیش فرض رهیافت آرمان گرایانه انسان نیک سرشت و پیش فرض واقع گرایانه انسان بد سرشت است، از منظر قرآن انسان موجودی مرکب از دو بعد مادی و معنوی یا انسانی و حیوانی است که دو نیروی فطرت و غرایز همیشه در حال ستیزند. اما فطرت به انسان اصالت و شخصیت داده و او را به رفتارهای خیرخواهانه و اخلاقی هدایت می‌کند، چون انسان‌ها فطرتاً از جنگ نفرت دارند و به صلح و ثبات علاقه‌مندند، حرکت تکاملی انسان و جامعه بشری، به سمت ثبات، صلح و عدالت پیش می‌رود. (ستوده، ص ۲۰۴)، اما غریزه برتری طلبی و قدرت جویی او، گاه این خواست عمیق فطری را زیر پا نهاده و روابط اجتماعی را به تعارض و جدال می‌کشاند. (برزنونی، ۱۳۸۴: ۸۷-)

(۸۶)

بر اساس این مبنا، انسان دارای حیات اجتماعی و هویت جمعی می‌باشد و لازمه زندگی اجتماعی، پیوندها و پیوستگی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... با هم‌نوعان است. اما از دیدگاه هستی‌شناسی اسلامی، هیچ یک از فرد یا کارگزار، و ساختار یا جامعه به تنهای اصالت ندارد، بلکه هر دو اصیل و بر یک دیگر تأثیر می‌گذارد. از این رو کارگزار در روابط

بین‌الملل اعم از فرد و دولت از آزادی عمل در نظام بین‌الملل برخوردارند. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۷۴)، اما این کنش گران، بازیگران ذره ای و منفرد نیست که بر اساس عقلانیت و منطق اقدام کند، بلکه جامعه بین‌المللی یک اجتماعی واقعی است که وجود خارجی دارد و از قوانین خاص پیروی می‌کند. لذا بازیگران با یکدیگر تأثیر گذاشته و مسئولیت دارند. بنابراین روابط بین‌الملل عرصه تعامل، و یا تقابل دو جبهه حق و باطل خواهد بود.

در حوزه معرفت‌شناسی اسلامی، از راه‌های مختلف می‌توان به حقیقت‌اشیای مادی و غیر مادی شناخت پیدا کند، روابط بین‌الملل و جامعه بین‌الملل از آنجا که ناشی از تعاملات و مناسبات جوامع انسانی می‌باشد، جز از جهان اجتماعی است که متشکل از واحدهای سیاسی و اجتماعی است که از قوانین خاصی پیروی کند که قابل کشف و تبیین می‌باشد. منابع و ابزارهای معرفت‌شناسی اسلامی متنوع است، در کنار حس و عقل، وحی به عنوان شیوه مطمئن شناخت قرار دارد.

از سوی دیگر هر تغییر نگرش در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی تأثیر مستقیم بر روش‌شناسی نیز خواهد داشت. از نظر اسلام، افزون بر این که لازم است اهداف سیاسی در تعارض با فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اخلاقی نباشد، ابزار و وسایلی که در پیاده کردن اهداف سیاسی و حکومتی به کار برده می‌شوند، نیز باید رنگ ارزشی و اخلاقی داشته باشند. در اسلام استفاده از شیوه و ابزارهای نامشروع، حتی برای دستیابی به اهداف ارزشمند، مشروعیت ندارد. حضرت علی(ع) می‌فرماید: الغالب بالشر مغلوب (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۶) کسی که با استفاده از وسایل نادرست پیروز شود، در واقع مغلوب است.

ماهیت روابط بین‌الملل در اسلام

با توجه به متون اسلامی، روابط بین‌الملل تحت تأثیر مهم‌ترین کارگزار یعنی انسان در قالب بازیگران داخلی و بین‌المللی قرار دارد. رهیافت رئالیستی با نگاه بدبینانه به سرشت انسان، بازیگران صحنه روابط بین‌الملل ذاتاً شرور و روابط بین‌الملل را عرصه منازعه و جنگ می‌داند. رهیافت ایده‌آلیستی با نگاه خوش‌بینانه به سرشت انسانی، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در

روابط میان واحدهای سیاسی را امکان پذیر می‌داند. این دورهیافت با نگاه تک بعدی به طبیعت انسانی، نتوانسته‌اند برداشت واقع‌بینانه از روابط بین‌الملل ارائه دهند. اما در رهیافت اسلامی، سرشت انسان‌ها را آمیخته از نیروهای خیر و شر می‌داند، لذا روابط بین‌الملل بسته به وضعیت این نیروها بر جنگ و صلح استوار است. اگر حکومت و قدرت در اختیار کسانی باشند که دلبسته تعلقات دنیایی و اسیر غرایز حیوانی‌اند، در این صورت صحنه نظام بین‌المللی منازعه و جنگ است. اگر بازیگران، انسان‌های صالح و تابع ارزش‌های الهی و انسانی باشند، روابط بین‌الملل صلح آمیز خواهد بود.

از دیدگاه اسلام، در روابط بین‌الملل، نه جنگ اصالت دارد (رنالیست‌ها) و نه صلح همیشگی است؛ (ایدئالیست‌ها)، بلکه از نظر اسلام پدیده جنگ و صلح واقعیت عینی تاریخ بشر را تشکیل می‌دهند. اما صلح پایدار و رابطه مسالمت آمیز، در پرتو عدالت استقرار می‌یابد و لازمه تثبیت عدالت، ظلم زدایی است که آن خود نیز مستلزم جهاد اسلامی است. از همین رو، از دیدگاه اسلام روابط اجتماعی صلح محور است. (فراقی، ۱۳۸۹: ۲۸۱-۲۶۰)

از نظر اسلام جنگ معلول عدم تعادل رابطه فطرت و غرایز انسانی است که در آن غرایز بر فطرت چیره می‌گردد. (سید قطب، ۱۳۶۸: ۵۲) به همین جهت اسلام در مقام انکار جنگ برنیاورده است، اما ضمن تقویت گرایش‌های فطری انسان در رسیدن به صلح، در صدد مبارزه با ریشه‌های جنگ و ناامنی برآمده است، تا جامعه بشری زندگی همزیستی مسالمت‌آمیز داشته و در مسیر هدایت و رستگاری قرار گیرد.

اصول روابط بین‌الملل در اسلام

با نگاهی به منابع اولیه و ثانویه اسلام درمی‌یابیم که دیدگاه اسلام نسبت به قواعد بین‌المللی ارمان‌گرایی توأم با واقع‌گرایی است، از یک سوی اصول بنیادهای اعتقادی و فکری روابط بین‌الملل اسلامی، به عنوان یک ارمان از حاکمیت قوانین فطری، انسانی و عادلانه در عرصه بین‌المللی سخن می‌گوید و روابط مبتنی بر زور و سلطه غیر عادلانه را که بر اساس تسلط قدرت‌های بزرگ حاکم شده به چالش می‌کشد و خواستار برقراری نظام عادلانه جهانی است.

از سوی دیگر برای جلوگیری از جنگ و نا امنی و برقراری صلح و ثبات از قراردادهای و تعهدات بین‌المللی و مشارکت ملت‌ها و نهادهای بین‌المللی بر اساس اصل برابری، عدالت و احترام متقابل حمایت می‌کند. آرمان‌گرایی نیز همان عاقبت اندیشی یا دوراندیشی است. پس، وقتی امام علی(ع) همانند معاویه نیرنگ به کار نمی‌بردند و پیمان شکنی نمی‌کنند، در واقع امام(ع) با دوراندیشی خودشان می‌خواهند سود و منفعت بیشتری به دست آورند. اما در مقابل غصب خلافت، به خاطر حفظ اصل اسلام، ۲۵ سال سکوت می‌کند. اصول و قواعد بین‌المللی اسلام را در دو سطح قابل بررسی است.

الف- اصول و قواعد آرمان گرایانه اسلام در روابط بین‌الملل

منظور قواعد آرمان گرایانه، قواعدی هستند که اسلام به عنوان یک آرمان مطلوب از مسلمانان می‌خواهد که برای تحقق آن تلاش کنند، این اصول عبارت است: اصل دعوت، اصل عدالت، اصل برابری، اصل وحدت، نفی سلطه و ظلم، اصل اخوت و مودت، و...

۱. اصل دعوت

اسلام، آیین جامع، فراگیر، جاودانه است که همه مردم را از هر نژاد و ملیتی، با هر زبان و فرهنگی و دارای هر عقیده و مرامی، در سراسر گیتی و در همیشه تاریخ، مخاطب خود قرار داده و همه را دعوت به حق و عدالت نموده است. در اسلام نه جنگ اصالت دارد و نه صلح، بلکه آنچه در اسلام اصالت دارد دعوت است. دعوت مبتنی بر روش تبلیغ است، ده‌ها آیه در قرآن کریم، مسئولیت پیامبر را منحصر به ابلاغ پیامبر الهی نموده است. دعوت اسلامی بر اساس حکمت و استدلال، موعظه و جدال احسن استوار است. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵).

رفتار سیاسی پیامبر اکرم(ص)، در حوزه سیاست خارجی مبتنی بر دعوت و رساندن پیام الهی به جهانیان بود، لذا آن حضرت از ابتدای بعثت تا آخرین لحظات حیات، رسالتش را بر اساس دعوت و تبلیغ تعالیم الهی استوار گردانده بود، پیامبر اکرم، دعوتش را از عشیره خویش آغاز کرد،

سپس قبایل و طوایف شبه جزیره عربستان، و حاکمان پیرامونی، آنگاه امپراتوران را بر اساس رسالت جهانی خود به اسلام دعوت نمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سبأ/۲۸)

از این رو تقدم دعوت بر جهاد بیانگر اصالت منطق و تقدم آن بر زور و اجبار است، هدف از دعوت رساندن پیام حق است، نه سلطه و کشور گشایی، لذا جنگ‌های توسعه طلبانه نه تنها مشروعیت ندارد که از نظر اسلام هیچ جنگی قبل از دعوت مشروع نیست، اگر دعوت اسلامی بر اساس اصول مشترک انسانی مثل عدالت، حق، امانت، تعهد، صداقت و... استوار باشد، هیچ جنگی رخ نخواهد داد. در این صورت نوبت به بازدارندگی غربی مبتنی بر زور و وحشت نمی‌رسد.

۲. اصل وحدت

در جهان بینی اسلام، کل جهان یک مجموعه منسجم و به هم پیوسته است، مجموعه انسان‌ها نیز مجموعه واحدی و از «نفس واحده» آفریده است که در فطرت و اهداف اصلی هماهنگی دارند؛ اما تفرقه و اختلاف ناشی از خصلت‌های منفی انسان است که توسط نظام سلطه تشدید می‌شود. فلسفه رسالت بر طرف کردن اختلاف و ایجاد وحدت و الفت و همزیستی در میان انسان‌ها هستند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره/۲۱۳).

امت واحد نشان گر آن است که مردم ابتدا به فطرتشان یک مجموعه‌ی واحد بودند. اما به علت استخدام و به استعمار کشاندن یکدیگر، اختلاف پیدا کردند و خداوند برای حل اختلافات، انبیاء را فرستاد.

اما اسلام در مرحله واقع گرایی خود، وحدت را در سه سطح می‌خواهد.

۱. وحدت جامعه بشری؛ اسلام می‌خواهد یک امت بهم پیوسته و واحد بشری را تشکیل دهد. از این رو قواعد عام و جهان شمول را به عنوان محور وحدت معرفی و روابط بین‌الملل را بر آن اصول مشترک استوار می‌سازد، این اصول مشترک، مثل عدالت، کرامت و اصل فطرت

است که گرایش به محبت و مهربانی، فداکاری و عشق، انسانیت را به همراه دارد، لذا قواعد مستخرج از این منبع مشترک، جهانی می‌باشد اختصاص به مؤمنان ندارد. لذا این قواعد از اولویت و اهمیت خاص برخوردار است و می‌تواند به عنوان یک هنجار عام و جهانی برای جامعه بشری عرضه شود، از این رو قرآن به پیامبر سفارش می‌کند، اگر افراد غیر مسلمان برای حل مسائل خود آمدند، بر اساس عدالت باید حکم شود، نه بر اساس قواعد اسلامی (مائده/۴۲).

۲. وحدت پیروان ادیان ابراهیمی؛ خداوند پیروان ادیان الهی را به کلمه توحید فراخوانده که اصل مشترک میان آن‌ها است، تا همگان در پرتو توحید زندگی کنند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (آل عمران/۶۴).

در این آیه سه اصل ذکر شده است؛ خدا پرستی، عدم شرک، عدم برتری جویی. چون ادیان الهی مثل یهود و مسیحیت و اسلام دارای اصول و مبانی مشترک هستند و همه به مبدأ، معاد و رسالت اعتقاد دارند.

۳. اتحاد مسلمانان

در سنت توحیدی، «خدای واحد» امت مؤمن خود را نیز به «وحدت»، یکپارچگی و دوری از تفرقه فرا می‌خواند. پیامبر (ص) نیز رسالت خویش را بر بستر اتحاد مؤمنان و ایمان آورندگان عملی ساخت. از این رو پیامبر همگام ورود به مدینه بین دو گروه اوس و خزرج مصالح و برادری ایجاد کرد، و این اتحاد سبب پیروزی مسلمانان در همه عرصه‌ها شد. امت اسلامی برای تحقق فرمان الهی و دستورات پیامبر خود و با اعتقاد به «یدالله مع جماعه» حول اصول مشترک گرد هم آمده‌اند. تعالیم اسلامی هر مسلمانی را نسبت به برادران و خواهران دینی خود مسئول می‌داند.

وحدت اسلامی فراهم کننده قدرتی حقیقی است که می‌تواند در مواجهه با بحران‌ها و برخورد با دشمنان خارجی در عرصه های فرهنگی، نظامی، سیاسی و اقتصادی دشمن بازدارندگی ایجاد و موجب امنیت و صلح در برابر دشمنان شود. از منظر قران کریم، وحدت سبب قدرت و

پیروزی گروه اندک مؤمنان بر دشمن کثیر پیروزی می‌شود: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً» (بقره/۲۴۹)، امروز اگر مسلمانان متحد باشند، هیچ قدرتی نمی‌تواند آنان را شکست دهند. اما اختلاف موجب شکست و سستی، ذلت مؤمنان و سیطره مستکبران می‌گردد: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/۴۶).

قرآن با بیان داستان قوم موسی (ع) به انگیزه و سیاست‌های فرعون‌ی در ایجاد تفرقه و اختلاف میان قوم اشاره در باره شیوه چگونگی سیطره ذلت آفرین فرعون‌ی بیان می‌کند: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص/۴).

اصل عدالت

در حال که واقع‌گرایان بر تقدم ذاتی امنیت برای تحقق عدالت تاکید دارند، آرمان‌گرایان راه رسیده به امنیت و صلح پایدار را از رهگذر عدالت ممکن می‌داند. از دیدگاه اسلام یکی از مهم‌ترین رسالت انبیا برقراری عدالت و قسط و مبارزه با ستمگری و ستم‌پذیری بوده است. لذا یکی از شاخصه‌ای آرمان‌گرایی اسلام، عدالت خواهی آن است که هر مسلمان مکلف به انجام آن است. امام علی (ع) عدالت را چنان سپر محکمی می‌داند که رعایت آن موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می‌گردد. «الْعَدْلُ قَوَامُ الْبَرِيَّةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۹)، زیرا خشونت و شورش در سایه عدالت از بین می‌رود، زمامداران در دل مردم نفوذ می‌کنند: مَنْ عَدَلَ تَمَكَّنَ، (همان: ۳۳۹)، همان‌طور که عدالت، امنیت می‌آورد، ظلم نیز ناامنی و بی‌ثباتی دارد.

اگر روابط بین‌الملل بر پایه عدالت تنظیم شود، صلح پایدار ایجاد می‌گردد، صلح تنها در پرتو عدالت استقرار می‌یابد. صلح پایدار در جهانی که نابرابری‌های اجتماعی و فقر و گرسنگی در آن وجود دارد، محقق نمی‌شود. اگر همه افراد از مواهب مادی و معنوی برخوردار و بر اساس عقلانیت، به تعامل پردازند، دیگر انگیزه‌ای برای تعدی به حقوق دیگران وجود نخواهد داشت. برای رسیدن به چنین هدفی باید همه انسان‌ها و تمام حکومت‌ها، باید تابع حق و عدالت باشد

حتی نسبت به غیر مسلمان باید رفتار عادلانه داشت. از این رو خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که اگر قاضی بین مسلمان و غیر مسلمان قرار گرفتی باید به عدالت رفتار کنی (مائده/۴۲). بر این اساس اصل جهاد، ظلم ستیزی و وفای به عهد، در راستایی تحقق عدالت صورت می‌گیرد. همین اصل عدالت خواهی اسلام است که ملت‌ها به آئین اسلام رو آورده است، و باعث گسترش اسلام در سراسر جهان شده است.

۳. اصل مساوات

از منظر قرآن کریم ریشه همه انسان‌ها به یک پدر و مادر «نفس واحده» بر می‌گردد، اما تفاوت قومی و زبانی، رنگ و نژاد برای شناخت انسان است، هرچند ملاک برتری نزد خداوند در قرار گرفتن در مسیر کمال است که با ایمان و تقوا میسرند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳). عقل و فطرت دو نیروی مشترک در همه انسان‌ها نهفته و به انسان کرامت و احترام بخشیده است. حضرت علی (ع) پس از فرستادن مالک اشتر به فرمانداری مصر، به او چنین خطاب می‌کند. «فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَضِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (نهج البلاغه: خطبه ۵۳)

این برابری خواهی اسلام در عرصه سیاسی و اجتماعی سبب شد که در صدر اسلام، بردگان و مظلومان، مسلمان شوند و بعداً در طول تاریخ اقوام و ملت‌های مختلف اسلام آوردند و این باعث تقویت جامعه اسلامی شده است. امروزه دنیا پر از ظلم و نابرابری است، ثروت و قدرت دست عده اندک قرار دارد.

۴. نفی ستم

قرآن هم ستم کردن و هم زیر بار ستم رفتن را نفی می‌کند: «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره/۲۷۹)، عامل اصلی جنگ‌ها و منازعات ناشی از تجاوز و تعدی ستمگران است. ستم منبع اصلی تضعیف صلح و امنیت به شمار می‌رود؛ زیرا ستم باعث زوال اعتماد بین بازیگران می‌شود و امکان تغییر در معاهدات، اصول و مبانی را فراهم می‌سازد، به عنوان عامل ناامنی، کلیه

مناسبات را بر هم زنند. از این رو اسلام دستور می‌دهد که به ستمگران اتکا نکنید: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا...» (هود/۱۱۳)

برای ریشه کن شدن ستم باید علیه ستمگران بپا خواست، حمایت از مظلوم اصل اولیه در تقویت سرمایه اجتماعی در عرصه بین‌المللی به شمار می‌آید. از این جهت یکی از اهداف مهم انبیا نجات ملت‌های تحت ستم است. لذا مسلمانان مکلف به نجات مظلومان تحت ستم است و اگر نه مسلمان محسوب نمی‌شود: «وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، همان: ۱۶۴/۲).

خداوند متعال همان‌گونه که کافران و مشرکان را به دلیل تجاوزگری و استفاده از زور سرزنش می‌کند، به مسلمانان نیز هشدار که در مقام برخورد با دیگر بازیگران عرصه خارجی، از تجاوز و تعدی پرهیز کند، چرا که این اقدام بنیاد صلح و امنیت را متزلزل می‌کند: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/۱۹۰).

۵. نفی سلطه

بر خلاف رویکرد آرمان‌گرایان که ضعف همکاری و نبود منافع مشترک را عامل نا امنی می‌داند، یا واقع‌گرایان که زوال سلطه را عامل جنگ‌ها و نا امنی‌ها می‌داند، اما مکتب اسلام اساساً اصل سلطه را نفی می‌کند. اسلام نه دین انزوا است، تا جدا از جهان زندگی کند و نه سلطه پذیر است و نه سلطه گر. بلکه معیار روابط در اسلام بر اساس قسط و عدل تنظیم می‌گردد. از این اصل در فقه سیاسی اسلام به قاعده نفی سیل تعبیر می‌شود. به موجب آن، سلطه کافران بر مسلمانان به طور کلی نفی می‌شود: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱).

قاعده نفی سیل دو جنبه ایجابی و سلبی دارد: جنبه سلبی، نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان را بیان می‌کند و جنبه ایجابی، بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی نسبت به حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه ای وابستگی

است. (دهشیری، ۱۳۷۸: ج ۶ ص ۶۳). بنابراین هر نوع رابطه و معاهده و همکاری باید با این اصل هم خوانی داشته باشد.

قرآن کریم در کنار نفی سلطه، هر نوع علو و برتری جویی را نیز نفی می‌کند، زیرا علو کانون اصلی بر هم زنده نظم و امنیت است. در قضیه فرعون، قرآن کریم عامل زوال قدرت فرعون را برتری خواهی و استکبار او می‌داند که موجب طغیان او در زمین شده و بدین وسیله هزاران انسان‌ها را نابود و مصریان را به بردگی گرفته بود. (قصص/۴)

از این رو اسلام با خشکاندن ریشه های برتری خواهی، همه را به تسلیم در برابر خداوند و ایمان به او فرا می‌خواند از اعتماد به ظالمان بر حذر می‌دارد. وقت روحیه برتری طلبی نباشد دیگر نیاز به افزایش و نمایش قدرت و ایجاد حالت بازدارندگی باقی نمی‌ماند.

۶. اصل صلح و امنیت در اسلام

از دیدگاه اسلام، نه جنگ اصل است و نه صلح همیشگی، بلکه پدیده جنگ و صلح واقعیت‌های عینی جامعه بشری‌اند. لذا یکی از آمال و آرزوهای بشری در روابط بین‌المللی دست یابی به صلح پایدار است. صلح واقعی مسلماً از طریق روش‌های مسالمت آمیز بدست می‌آید. بنا بر خواست فطری انسان، اسلام از نخستین روزهای آغازین خود، صلح را پی ریزی و همگان را به صلح و زندگی مسالمت آمیز دعوت نموده است. جوهره اسلام بر سلامت و ایمنی است: «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ» (۴۶)، چنان که امام علی (ع) اسلام را مایه امان دانسته که هر کس در آن درآویخت به آرامش و امنیت رسید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ ... فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِمَنْ عَلِقَهُ وَ سَلَامًا لِمَنْ دَخَلَهُ» (نهج البلاغه/ خطبه ۱۰۶)

قرآن کریم همواره مؤمنان را به ایجاد روابط مسالمت آمیز با دیگران و ایجاد صلح همگانی و عمومی پیش قدم نموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» (بقره/۲۰۸). از این رو از هر راهکار برای محدود کردن جنگ و درخواست ایجاد صلح و استقبال می‌کند. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال/۶۱)، از این رو در بعضی ماه‌های سال جنگ و منازعه حرام اعلام شده است.

بنابراین روح اسلام صلح و امنیت را می‌خواهد و جنگ یک استثنا است که بنا بر ضرورت برای تأمین صلح و امنیت و مبارزه با عوامل ناامنی و برای دفاع از مظلومان است تجویز شده است. اسلام برای تحقق و گسترش صلح و هم‌زیستی به عنوان اساسی‌ترین اصل در مناسبات بین‌المللی و جلوگیری از جنگ‌های خونین، از طریق بستن معاهدات و پیمان‌های تلاش نموده است، یکی از سیاست‌های انسان دوستانه اسلام در جنگ‌ها این است که اسلام هرگز آغازگر جنگ نبوده است. جنگ‌های صدر اسلام همگی دفاعی بودند.

یکی از عوامل گرایش قبایل عرب به اسلام، ویژگی صلح طلبی اسلام بوده است، وجود امنیت و دستورات روشن در اسلام، زمینه مسلمان شدن غیر مسلمانان را فراهم می‌کرد که خود باعث تقویت جامعه اسلامی و حالت بازدارندگی ایجاد می‌کرد.

ب- اصول و قواعد واقع‌گرایی در اسلام

اسلام در عین تأکید بر آرمان‌های آسمانی و تلاش در جهت رسیدن به آن، به واقعیت‌های زمینی نیز توجه دارد، با توجه به واقعیات عینی که همه ارمان اسلام قابل تحقق نیست، اسلام با قبول برخی محذورات برای رسیدن به ارمان مطلوب خود سعی در هماهنگی خود با واقعیات موجود دارد. پیامبر اکرم (ص) هر چند در ابلاغ رسالت خود، اصل را بر دعوت مسالمت‌آمیز گذارده بودند؛ اما در پاره‌ای از مواقع، به سبب شرایط خاص سیاسی و اجتماعی، شیوه مسالمت‌آمیز دعوت آن حضرت، به جنگ و شیوه قهر آمیز منجر می‌شد. یا ضمن به رسمیت شناخت دیگر ملت‌ها و بستن معاهدات اهداف آرمانی خود را دنبال می‌کرد. قواعد واقع‌بینانه اسلام عبارت است از:

۱. شناسایی ملت‌ها

اسلام، داعیه جهانی دارد وظیفه پیامبر و مسلمانان دعوت بشریت به اسلام است، این مهم، بدون ارتباط و تماس و معاشرت با ملت‌ها و پیروان دیگر ادیان میسر نیست. از این رو پیامبر سفیران را به کشورهای دیگر اعزام و با آن‌ها نامه می‌نوشت، بر آزادی، استقلال و تأمین حقوق

انان تأکید می‌نمود. مثلاً در پیمان با نصاری نجران امنیت مال، جان و سرزمین آن‌ها را تضمین می‌کند و بر آزادی مذهبی و رعایت عدالت و انصاف بین انان و مسلمانان در مسایل قضایی تأکید و از خطاهای انان صرف نظر می‌کند.

۲. اصل روابط متقابل در اسلام

لازمه شناسایی ملت‌ها، برقراری رابطه متقابل است، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دیپلماسی اسلام، اصل رعایت احترام متقابل در روابط بین‌الملل است. اسلام، ارتباط و همکاری با غیر مسلمانان را، بر اساس اصول و ارزش‌های مشترک مشروع می‌داند. چون در قرآن بر آزادی، استقلال و حاکمیت ملت‌ها تأکید شده است (شوری/۶) و از مداخله در امور دیگران به شدت نهی می‌کند (ق/۴۵). بنابراین در رفتار متقابل با دولت‌ها، باید امانت، عدالت و انصاف را رعایت نمود. (رحمان/۶۰)

در کتب تاریخی در خصوص رفتار سیاسی پیامبر اعظم (ص) روایت شده است که ایشان همیشه با فرستادگان ملل خارجی با احترام و مهربانی هر چه تمام‌تر رفتار می‌کرد. بنا بر عادت و خوی متعالی خود به آن‌ها هدایای می‌داد. امروزه شناسایی ملت‌ها در قالب کشورها ممکن است، اگر این روابط در عرصه‌های مختلف گسترش پیدا کند، زمینه حضور فرهنگ اسلامی و مسلمان در میان ملت‌ها بیشتر شده و باعث نشر معارف اسلامی و جذب دیگر ملت‌ها به اسلام می‌شود.

۳. اصل وفای به عهد در اسلام

یکی از مهم‌ترین اصول روابط بین‌الملل، اصل احترام به تعهدات است. از نظر اسلام، التزام به پیمان و وفای به عهد، یک سیاست راهبردی و بلند مدت است. فلسفه تأکید دین اسلام بر لزوم وفا به عهد و پیمان، ایجاد زمینه ای توافق بر همزیستی و زندگی مسالمت آمیز است. در آیات قرآن کریم، به وفای به عهد و قراردادهای تأکید گردیده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مانده/۱)، زیرا تعهد مسئولیت می‌آورد (اسراء/۳۴). در اعتبار قرار داد حتی نمی‌توان مسلمانان را حمایت کرد که موجب نقض پیمان شود (انفال/۷۲) این آیه به صراحت دلالت دارد

که اعتبار قرار داد بالاتر از حق اخوت اسلامی است. تا مادام که طرف مقابل به عهد خود وفا دار است، نقض آن حرام است.

پیامبر پیمان‌های متعدد در مدینه با قبایل یهود و نصاری منعقد نمود. مثل پیمان صلح حدیبیه در سال ششم هجری نقطه عطفی در روابط سیاسی پیامبر بود که قریش دشمن مسلمانان را وادار به قبول مشروعیت اسلام کرد و قرآن این پیمان را فتح المبین نام نهاد و طول نکشید که قبایل عرب در شبه جزیره عربستان دسته دسته مسلمان شد و در اندک زمان اسلام کل عربستان را تصرف کند.

معاهدات بین‌المللی نقش مهم در روابط اقتصادی و سیاسی با کشورها و ملت‌ها دارد که باعث جلوگیری از جنگ، تجاوز، حل منازعات و زمینه صلح و آرامش را فراهم می‌کند.

۴. اصل همزیستی مسالمت آمیز

اسلام دین جهانی است که تحقق اهداف و آموزه آن مستلزم داشتن روابط مسالمت آمیز با دیگر جوامع است، لذا در اسلام صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز اصالت دارد. «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء/۱۲۸). از این رو اسلام اندیشه زندگی مسالمت آمیز را به صورت عام و جهانی مطرح ساخته است. اسلام علی رغم اختلاف مذهبی و فکری، حقوق اقلیت‌ها را به رسمیت شناخته و از تکالیف که برای مسلمانان قرار داده از آن‌ها صرف نظر کرده و حقوق خاص را برای غیر مسلمانان وضع نموده است. این دیدگاه واقع‌گرایی اسلام نشان از پذیرش واقعیت موجود اصل همزیستی در عرصه بین‌الملل دارد.

رویکرد اساسی قرآن، نیک رفتاری با هم نوعان است هر چند از کفار باشند، لذا بر ایجاد صلح همگانی و عمومی دستور داده است: «ادخلوا فی السلم کافه»، رفتار سیاسی پیامبر اعظم (ص) نیز بر همزیستی مسالمت آمیز تأکید دارد؛ ان حضرت با قرارداد و معاهده راه را برای رسیدن به توافق‌های اصولی‌تر و بیشتر هموار می‌کرد. بر این اساس پیامبر در منشور مدینه با اهل کتاب بر زندگی مسالمت آمیز تأکید کرد.

امام علی در فرمان به مالک اشتر ضمن رفتار شایسته با هم نوعان می‌فرماید: و لا تكون علیهم سبعا ضاربا تغتم اكلهم فانهم صنفان: اما اخ لك فی الدین و اما نظیر لك فی الخلق (نهج البلاغه: نامه ۵۳) این اصل مشترک انسانی است که انسان از کرامت برخوردار است.

۵. حل و فصل مناقشه ها

یکی از عوامل جنگ و نا امنی، مناقشات و اختلاف‌ها موجود میان ملت‌ها و دولت‌ها است که تجاوز و جنگ را ناگزیر می‌سازد. یکی از وظایف انبیا حل و فصل اختلافات از میان بشریت بوده است، تا زندگی مسالمت آمیز آسیب نرسد، لذا اسلام برای تأمین صلح و امنیت بین‌المللی راهکارهای مسالمت آمیز ارائه می‌کند.

۱. مذاکره و روش سیاسی، پیامبر بارها اختلافات را از طریق مذاکره حل کرده است که معروف‌ترین آن‌ها مذاکره آن حضرت با قریش است که منجر به صلح حدیبیه و ترک جنگ به مدت ده سال شد.

۲. میانجی‌گری، حل اختلافات از طریق میانجی‌گری در سیره پیامبر آمده که در نخستین سال هجرت با کاروان قریش برخورد کرد که اینجا مجدی بن عمرو، بین پیامبر و کاروان قریش به سرکردگی ابوجهل میانجی‌گری و سبب ترک جنگ شد. (طبری، بی تا: ج ۲، ص ۱۲۲)

۳. حکمیت، توافق طرفین دعوا بر حل منازعه توسط فرد و گروه منتخب در اسلام سابقه دارد. منازعه دو طایفه اوس و خزرج در مدینه که پیامبر حکم قرار گرفت و جنگ طولانی بین دو قبیله خاتمه یافت. حکمیت بین مسلمانان و یهود بنی قریظه که با دشمنان پیامبر در جنگ خندق همکاری کرد و نقض پیمان کرده بود، پیامبر برای تنبیه آنان مسئله را به حکمیت واگذار کرد که سعد بن معاذ با توافق طرفین به انتخاب هر دو طرف حکم انتخاب شد. (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ۲۴۰)

دوران معاصر نیز هنگام که دو کشور بر سری مسایل اختلاف نظر دارد، دولت ثالث و یا دیوان بین‌المللی لاهه را برای حل اختلاف حکم قرار می‌دهد. این شیوه حل و فصل اختلافات، زمینه جنگ و منازعه را برداشته و از مداخله قدرت‌های خارجی دور می‌ماند.

نتیجه

با توجه به این اصول و قواعد، اسلام روابط انسانی را بر اساس اصول مشترک فرض و بر همبستگی جامعه بشری، تاکید دارد، سیره پیامبر و رفتار مسلمانان نشان می‌دهد که تمام تلاش خود را برای ایجاد نظم و امنیت، به کار برده‌اند. حتی جنگ و جهاد، برای تأمین امنیت بوده، از این رو اسلام دین ایمنی و صلح نام گرفته بود که در قلب انسان‌ها نفوذ و سبب روی آوری گروه‌های اجتماعی به اسلام بوده است. این همواره این دشمنان اسلام بوده است که روابط انسانی را در سایه دشمنی تلقی می‌کند، لذا برای سلطه‌گری به سرزمین اسلامی تجاوز و جنگ‌های ویرانگر را آغاز نموده است، مسلمانان با شیوه‌ها و ابزارهای مشروع از خود دفاع نموده است. اینجا است که اگر دشمن، جامعه اسلامی را تهدید کند، چه راهبرد برای بازدارندگی و جلوگیری از دفاع وجود دارد؟

ابعاد و شیوه‌های راهبردی اسلام برای بازدارندگی

اسلام دین صلح و ایمنی است، با هیچ کسی دشمنی و سر جنگ ندارد، لذا همگان را به پذیرش حقیقت و اجرای عدالت دعوت می‌نماید، حال اگر مستکبران و ستمگران، اسلام و مسلمانان را تهدید کرد، در این صورت اسلام چه تدابیر سنجیده است؟ پاسخ این پرسش مبتنی بر این است که دشمن از چه تهدید استفاده می‌کند. امروزه دو گونه تهدید وجود دارد.

الف- تهدید سخت؛ مثل تجاوز و تهاجم نظامی و جنگ مسلحانه

ب- تهدید نرم؛ که ابعاد و زوایای مختلف دارد، تضعیف حاکمیت دینی، اختلاف میان زمامداران، یاس مردم، تحریم و محاصره اقتصادی، تشدید اختلافات فرقه‌ای و قومی، سست کردن باورها و عقاید مردم، تهاجم فرهنگی، بی‌هویتی، تغییر سبک زندگی، گسترش فحشا و ترویج بی بند باری و رذایل اخلاقی و... را شامل می‌شود.

اسلام نیز شیوه‌های و راهکارهای مختلف را برای مصون ماندن جامعه اسلامی از تهدیدات دشمن سنجیده است، آنچه در اندیشه اسلامی اهمیت دارد، این است که ابزارها و روش‌ها باید

در چارچوب ارزش‌ها و باورهای مکتبی تبیین شود. همان گونه که اهداف دیپلماسی، انسانی اسلام، ناظر به سعادت انسان است، بنابراین ابزارهای مورد استفاده نیز باید انسانی و سازگار با اخلاق انسانی باشد (سجادی، ۱۳۸۳: ص ۱۵۸). اینجا است که رابطه اخلاق و سیاست مطرح می‌شود، در اسلام ابزارهای غیر اخلاقی و غیر انسانی جهت رسیدن به اهداف، مشروعیت ندارد، یعنی هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. امام علی (ع) در پاسخ به پیشنهاد برخی یارانش در مورد رفتار با معاویه می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيَتْ عَلَيْهِ وَ اللَّهُ لَا أَطُورُ بِهِ» (نهج ابلاغه/خطبه ۱۲۶). امام (ع) نسبت به عدم استفاده از مصلحت اندیشی و بی توجه به ضرورت‌های سیاست متهم می‌شود، ولی امام می‌فرماید: من از همه کس زرنگ‌ترم، اما برای رسیدن به اهداف از شیوه‌های غیر انسانی استفاده نمی‌کنم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ لَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْعُدْرِ كُنْتُ مِنْ أَذْهَى النَّاسِ» (کلینی، همان: ۳۳۸/۲).

بنابراین شیوه‌های مقابله با دشمن نیز می‌تواند در دو بخش نرم و سخت افزاانه دسته بندی شود.

الف- رویکرد ایجابی و نرم افزاری

الگوی اسلام برای روابط بین‌الملل متفاوت از الگوهای مبتنی بر قدرت سخت حاکم بر روابط بین‌الملل است، در الگوی واقع گرایی، امنیت در گرو تلاش برای افزایش امکانات سخت افزاری برای رفع تهدید دشمن است. اما از دیدگاه اسلام، منشأ قدرت خداوند است، هیچ پیامبر با شمشیر ظهور نکرده است، بلکه متکی به قدرت غیبی و الهی بوده است که مؤمنان را در مقابل سایر قدرت‌ها یاری می‌رساند و این قدرت نرم اسلام بود که بدون توسل به تهدید و زور، دل‌ها را تسخیر نمود. اسلام هرچند ابعاد سخت افزاری را نادیده نمی‌گیرد، اما در نهایت قدرت سخت در اسلام نیز متأثر از قدرت نرم است.

رویارویی نرم، بیشتر در عرصه فرهنگ‌ها اتفاق می‌افتد. در این میان، فرهنگی که مولد قدرت باشد، تعیین کننده نتیجه این نبرد خواهد بود. فرهنگ شکل گرفته بر اساس مبانی فکری اسلامی از ظرفیت بسیار بالایی در تولید قدرت نرم برخوردار هستند. مفاهیم ایمان، جهاد، شهادت،

فداکاری و ایثار منابع تولید کننده قدرت نرم اسلامی است. بر این اساس مهم‌ترین راهبرد اسلام برای بازدارندگی توجه به راهبرد ایجابی است. راهبرد ایجابی دارای مویدهای نیز است:

۱. دعوت اسلام به صلح و امنیت و این که ایمان و اطمینان، به عنوان هدف امنیت نقد جدی نظریه سلطه است.

۲. پیامبر از آغاز رسالت خود بر صلح تاکید و تهدید را به حاشیه رانده است. لذا نگرش ایجابی را بر سلبی حاکمیت بخشید.

۳. قبایل عرب که منازعات دامن دار داشتند، وقت اسلام را دین صلح یافتند به آن پناه آوردند.

۴. محوریت ایمان در راهبرد اسلامی جنبه نرم افزاری و ذم شیطان که وجه درونی دارد.

۵. توجه به صلح و زندگی مسالمت آمیز در پیمان صلح حدیبیه، موجب ترک مخاصمه شده است.

۶. بررسی اهداف جهاد نشان می‌دهد که عمده‌ترین انگیزه جهاد در اسلام، وارد کردن دشمن به انتخاب راه عاقلانه است (منتظری مقدم، ۱۳۸۲: ۱۳۷). از این رو پیامبر در کنار جنگ با دشمن از در دیپلماسی برای وارد کردن دشمن به استفاده از شیوه‌های منطقی و معقول برای رسیدن به اهدافش استفاده می‌کرد. مثل انعقاد پیمان‌های سیاسی برای استقرار صلح و امنیت. قدرت نرم دو کارکرد دارد یکی نسبت به مشروعیت بخشی و تقویت نیروی خودی و اقناع توده مردم برای پشتیبانی از صاحبان قدرت است و دیگری مشروعیت زدایی و تضعیف نیروی دشمن تا از تعرض آن جلوگیری شود. قدرت نرم منابع و ابزارها و شیوه‌های مختلف دارد.

۱. ایمان

ایمان و اعتقاد به خداوند مهم‌ترین عامل بازدارنده درونی و بیرونی است، ایمان، از یک سو باعث آرامش فکری و روحی و سلب خوف و نگرانی از مؤمن شده، از سوی دیگر ایمان به خداوند باعث رشد گرایش‌های فطری به سوی نوع دوستی، همیاری، فداکاری عدالت خواهی و حق طلبی در انسان شده و قدرت طلبی، خوی تجاوزگری و تعدی به حقوق دیگران را از انسان دور می‌کند (جهاد اکبر).

۲. شیوه دیپلماسی و مذاکرات سیاسی

دیپلماسی و مذاکره از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی است که ریشه در گذشته تاریخی دارد، قرآن کریم، دعوت خود را بر اساس موعظه حسنه و جدال احسن استوار ساخته است. سنت و سیره سیاسی پیامبر نشان می‌دهد آن حضرت از همان آغاز رسالت جهانی، ارتباط با ملت‌ها و گروه‌های مختلف انسانی را دنبال و از مذاکره و شیوه دیپلماسی در راه بسط دعوت الهی خویش بهره‌جسته و رابطه حسنه و همکاری دو جانبه را برقرار می‌نمود.

۳. شیوه‌ها و ابزار اقتصادی

امروزه دیپلماسی اقتصادی و استفاده از ابزارهای اقتصادی و مالی محور اصلی بازی و رقابت کشورها را تشکیل می‌دهد. پیامبر گرامی (ص) در روابط خارجی خود از ابزار اقتصادی نیز برای دعوت و هدایت مردم به دین مبین اسلام با عنوان تألیف قلوب استفاده می‌نمود. بهره‌گیری از شیوه و ابزار اقتصادی امروزه در دو حوزه انجام می‌شود:

الف- کشورهای اسلامی؛ همگرایی مبتنی بر باورهای دینی، ظرفیت‌های بی‌شمار را در جهت تقویت وحدت بین مسلمانان در تمام زمینه‌های فکری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر جای می‌گذارد. به ویژه منابع انرژی فراوان، مواد خام، نیروی انسانی، جمعیت زیاد، در اختیار داشتن مناطق ژئوپلیتیک جهان، همکاری‌های اقتصادی کشورهای اسلامی می‌تواند، جهان را تحت تأثیر قرار دهد.

ب- کشورهای غیر اسلامی؛ همکاری و کمک اقتصادی یکی از ابزارهای مشروع دیپلماسی در عرصه روابط بین‌الملل است که در اصطلاح قرآنی، تألیف قلوب گفته می‌شود. در صدر اسلام بخشی از غنایم و منابع دولت اسلامی برای جذب قلوب به سمت دین اسلام، و ایجاد ذهنیت مثبت در برخی افراد اختصاص یافت: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ... وَالْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ» (توبه/۶۰)، این زمینه گسترش نفوذ اسلام را فراهم کرد.

۴. شیوه فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز اعمال قدرت نرم است که از طریق عناصر چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها، امکان نفوذ را در طرف مقابل فراهم و رقیب را ترغیب به همکاری می‌کند. ویژگی دیپلماسی فرهنگی نسبت به سایر دیپلماسی‌ها این است که فرهنگ و ابزارهای فرهنگی به طور غیر ملموس در اذهان و قلوب ملت‌ها بدون مقاومت نفوذ و باعث معرفی و انتقال فرهنگ و تمدن یک سرزمین به سرزمین و فرهنگ دیگر می‌شود، بدون تلقی خصمانه و سلطه طلبانه با انعطاف پذیری در ذهن مخاطبان همراه باشد. اینجا بازیگران غیر رسمی و نهادهای مدنی و اشخاص در تأثیر گذاری نقش موثر تر دارد. در دیپلماسی فرهنگی، ارزش‌ها و منافع مشترک دنبال می‌شود.

رسالت پیامبر، یک رسالت فرهنگی است، از شیوه‌های موعظه و جدال احسن، اعزام مبلغان به اطراف جهان، توجه به فرهنگ و دانش، گسترش فرهنگ دینی و نفوذ در افکار جوامع، استفاده می‌گردید. عوامل مهم که در گسترش اسلام نقش داشته عبارت است از:

عامل اول برای نفوذ و توسعه‌ی اسلام خود قرآن است. پیامبر اسلام فرمود: «المدینة النبویة فأنها فتحت بالقرآن» (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۴۴/۲). قرآن کریم؛ به عنوان نقشه راه مبانی و اصول و منبع قدرت سخت و نرم را در خود دارد.

عامل دوم اخلاق اسلامی است. اخلاق پیامبر (ص) که همراه با مهربانی و عطوفت و محبت بود، باعث نفوذ در دل‌ها شده و مردم شیفته رفتار و گفتار او می‌شد.

یکی از ابزارهای فرهنگی، تولید و گسترش دانش و هنر است. اسلام از همان ابتدای ظهور، به حمایت از علم و دانش برخاست. ارج نهادن قرآن به علم، سفارشات موكد پیامبر اسلام بر وجوب فراگیری علوم و فنون، طولی نکشید که سیل دانش مسلمین، سراسر دنیای اسلام را فرا گرفت، همین دانش و فرهنگ عالی اسلام بود که جهان را در مدت کوتاه خود مسخر و بشریت را برای همیشه وامدار خود نمود.

۵. شیوه اجتماعی

تنوع قومی، تعدد زبانی و تقسیم سرزمینی ناشی از اختلاف در طبیعت زندگی انسان است. قرآن بر اساس فطرت و اصول مشترک انسانی، همه بشریت را ضمن دعوت به وحدت، با هرگونه ستم و برتری خواهی مبارزه نموده و به دنبال حل مشکلات اجتماعی است. مثلاً یاری رسانیدن به زیر دستان و تهی دستان که با عناوین، تعاون، احسان، خیر، صدقه، نذر، کفاره، زکات و خمس ... در فقه اسلامی ذکر شده است.

ب- شیوه سلبی

شیوه های سلبی در آنجای مطرح می شود که جامعه اسلامی با تهدید سخت و خطر تهاجم نظامی مواجه شود و با شیوه های نرم نتوان تهدید دشمن را خنثی کرد. بدیهی است هر موجودی زنده در مقابل خطرهای حق دفاع از خود را دارد و انسان نیز از این قانون تکوینی مستثنی نیست، حال باید دید که اسلام چه راهکارهای دفاعی را ارائه نموده است؟

قرآن کریم، بنیاد اندیشه و حرکت نظامی را بر مبنای حفظ و بقای جان و مال، حقوق و آزادی های اساسی انسان و حراست از مرزهای ایمان و عقیده او قرار می دهد. جلوگیری از هرگونه تعرض نظامی بیگانه در رأس وظایف مسئولان جامعه اسلامی است، از این رو جهاد، به عنوان یک وظیفه شرعی برای دفاع از اسلام و ارزش های انسانی، تحقق عدالت، سرکوب متجاوزان و خاموش کردن آتش فتنه، مبارزه با ظلم و ستم، پیمان شکنی و دفاع از مظلومان تجویز می گردد، چنین جنگ جهاد فی السبیل الله محسوب می شود: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ» (بقره/۱۹۰). از این جهت تهیه ابزار تسلیحاتی و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز برای دفاع و تأمین امنیت جامعه اسلامی در هر مقطع از زمان و با توجه به ماهیت تهدید خارجی می باشد. قرآن دستور می دهد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (الانفال/۶۰). این آیه دستور روشن برای افزایش توان رزمی و تسلیحات جنگی و آمادگی روحی و جسمانی مؤمنان را در برابر دشمنان بیان می کند تا دشمن را از مقاصد شومش بازدارد.

البته غایت و هدف نهایی اسلام، دست یابی به صلح پایدار است. به همین جهت در اسلام صلح اصالت دارد و مشروعیت جنگ و جهاد منوط به تدافعی بودن آن می‌باشد. یعنی جهاد برای دفاع از جان و مال و مظلومان صورت می‌گیرد، چنین جهادی در اسلام شرایط و ضوابط معین دارد که نادیده گرفتن آن، ماهیت ارزشی خود را از دست می‌دهد، یکی از این شرایط دعوت به اسلام و صلح قبل از جنگ است که رویکرد نرم مقدم بر رویکرد سخت است.

نتیجه

واقعیت زندگی اجتماعی انسان، نشان می‌دهد که جنگ و منازعه یک امر طبیعی است، بازدارندگی برای در امان ماندن از تجاوز نیز یک امر طبیعی و مورد توجه اسلام است. اولویت اسلام برای بازدارندگی، رویکرد ایجابی است که به عدالت و رأفت مطابقت دارد. راهکارهای اسلام برای دفاع در برابر تعدی و تجاوز نظامی خارجی، بر مبنای ابعاد و ماهیت تهدیدات نظامی استوار است. کسب و افزایش آمادگی رزمی، ایمان قوی رزمندگان، داشتن تسلیحاتی پیشرفته، اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های مشروع برای دفاع، تا شرایط مطمئن بازدارندگی ایجاد شود. در اینجا هر آنچه را که برای دفاع لازم و ضرورت داشته باشد باید مهیا کرد، تا دشمن را از تجاوز باز می‌دارد، در غیر این صورت نبود توان بازدارندگی مناسب، قدرت دفاعی را ضعیف و موجب برتری روحی و اطمینان یافتن دشمن نسبت به پیروزی در جنگ احتمالی می‌گردد.

در کنار ایجاد شرایط مطلوب بازدارندگی، آنچه در اسلام بیش از همه بدان توجه شده است، جنبه اعتقادی و ارزشی دفاع است. دفاع به عنوان یک تکلیف شرعی در قالب جهاد در راه خدا مشروعیت قدسی یافته و جهاد در دنیا عزت و شرف می‌آورد و در آخرت اجر معنوی بالایی دارد. چیزی که در سایر مکاتب وجود ندارد، چنین بیش سبب قوت و قدرت نیروی بازدارندگی می‌گردد و جبران‌کننده برخی کمبودهای مادی (ابزار و تجهیزات) نیز قلمداد گردد.

کتابنامه

- نهج البلاغه
قرآن
- ابن اثیر جزری، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار الصادر، ۱۳۸۵.
- ابن هشام، **السیره النبویه**، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
- ازغندی، علی رضا؛ و روشندل، جلیل؛ **مسائل نظامی و استراتژی معاصر**، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴.
- افتخاری، اصغر، **قدرت نرم؛ فرهنگ و امنیت**، مطالعه موردی بسیج، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹، دوم.
- مقاله صلح و امنیت بین الملل؛ رویکرد اسلامی، در: مجموعه مقالات اسلام و روابط بین الملل (چارچوب های نظری، موضوعی و تحلیلی) به اهتمام حسین پور احمدی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، چاپ اول.
- همکاران، **قدرت نرم و سرمایه اجتماعی**، تهران، دانشگاه امام حسین، ۱۳۸۹، دوم.
- ام. الیوت، جفری؛ و رجینالد، رابرت؛ **فرهنگ اصطلاحات سیاسی و استراتژیک**، ترجمه ی میرحسین رئیس زاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۸.
- الواقدي، محمد بن عمر، **المغازی**، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۹.
- برزنونی، محمدعلی، **اسلام اصالت جنگ یا اصالت صلح**، مجله حقوقی، شماره ۳۳، سال ۱۳۸۴.
- بیلیس و همکاران، جان، **استراتژی در جهان معاصر**، مقدمه بر مطالعات استراتژیک، ترجمه کابک خبیری، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶.

- تورنتی، فالتزگراف، جیمز، رابرت، نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه دکتر وحید بزرگی، علیرضا طیب، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۴، چهارم.
- جوادی آملی، عبدالله، روابط بین الملل در اسلام، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸.
- حلی، شرایع الاسلام، ترجمه ابولقاسم بن احمد یزدی، به تصحیح احمد دانش پڑوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- خلیلیان، خلیل، حقوق بین الملل اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
- دهشیری، محمد رضا، اصول و مبانی دیپلماسی اسلامی در مجموعه آثار کنگره امام خمینی و حکومت اسلامی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، مقاله اسلام و نظریه های روابط بین الملل: رویکرد فرانظری، در: مجموعه مقالات اسلام و روابط بین الملل (چارچوب های نظری، موضوعی و تحلیلی) به اهتمام حسین پور احمدی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، اول.
- ستوده، محمد، ماهیت انسان و روابط بین الملل، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۲، سال.
- سجادی، سیدالعباس، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم، بسوتان کتاب، ۱۳۸۳.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسة آل البيت علیهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
- ضیائی بیگدلی، محمد رضا، اسلام و حقوق بین الملل، تهران، کتابخانه گش دانش، ۱۳۸۴.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- عسگری، محمود، قدرت افکنی؛ الزامی برای بازدارندگی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۱، دوم.
- علوی، محمود، مبانی فقهی حقوق بین الملل، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۵.
- عمید زنجانی، عباس علی، فقه سیاسی، حقوق معاهدات، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۳.
- فراتی، عبدالوهاب، چارچوب و مبانی روابط دولت اسلامی با نظام بین الملل، در: مجموعه مقالات اسلام و روابط بین الملل (چارچوب های نظری، موضوعی و تحلیلی)، به اهتمام حسین پور احمدی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹ چاپ اول.

قاسمی، ، برداشت‌های متفاوت از امنیت ملی، مجله ی سیاست دفاعی، شماره ی ۲، سال اول، بهار ۱۳۷۲.

قطب، محمد، اسلام و صلح جهانی، ترجمه زین العابدین قربانی و هادی خسروشاهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۸.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق
کالینز، جان.ام، استراتژی بزرگ (اصول و رویه ها)، ترجمه کورش بایندر، تهران، مرکز چاپ وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶، چهارم.

کریمی نیا، محمد مهدی، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، قم، مرکز انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳.

لطفیان، سعیده؛ بازدارندگی باج گیری هسته‌ای و جنگ، نظریه‌های مختلف گسترش و به کارگیری تسلیحات اتمی، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۶/۵/۱۲.

لطفیان، محمود؛ استراتژی و روش های برنامه ریزی استراتژیک، موسسه ی چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۶.

لطیفی پاکده، لطفعلی، اسلام و روابط بین‌المللی، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، در: نرم افزار زمزم ۳.

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.

مشیر زاده، حمیرا؛ طرح دفاع ملی موشکی آمریکا، فصلنامه ی سیاست خارجی، شماره ، سال پانزدهم، تابستان ۱۳۸۰.

مقریزی، تقی الدین، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۲۰.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.

منتظری مقدم، حامد، صحنه‌های صلح و آشتی، درخششی در کارنامه رسول خدا، ویژه‌نامه تاریخ اسلام، معاونت امور اساتید، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۲.

نای، جوزف اس، قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سید محسن روحانی - مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹، چهارم.

نجفی، محمد حسن، جواهر، الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.
یوسفی، جعفر، بررسی تطبیقی قدرت نرم در گفتمان اسلام و لیبرالی در: مجموعه مقالات؛ قدرت
نرم و سرمایه اجتماعی تهران، دانشگاه امام حسین، ۱۳۸۹، دوم.

Holsti, Ole R.: Crisis, escalation, war, pp. ۸-۹